

مجموعه مباحث اخلاقی

کمال محبت خلوص در عبادت

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»



۸ آبان ماه ۱۳۸۷

۲۹ شوال ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

«الهِى مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا وَمَنْ ذَا الَّذِي أَيْسَ بِغُزْبِكَ فَأَبْتَغَى عَنْكَ جَوْلًا إِلَهِي فَأَجْعَلْنَا مِمَّنِ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَوَلَايَتِكَ وَأَخْلَصْتَهُ لِيُودِّكَ وَمَحَبَّتِكَ وَشَوْفَتَهُ إِلَى لِقَائِكَ وَرَضِيْتَهُ بِقَضَائِكَ وَمَنْحَتَهُ بِالنُّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ وَحَبْوَتَهُ بِرِضَاكَ وَأَعَدْتَهُ مِنْ هِجْرِكَ وَقِيْلَاكَ وَبُؤَاتِهِ مَقْعَدَ الصِّدْقِ فِي جَوَارِكِ وَخَصَصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ»^(۱) .

پروردگارا! کیست که شیرینی محبت تو را بچشد و کسی جز تو را بخواهد، و کیست که به مقام قرب تو انس بگیرد و لحظه‌ای از تو روی بگرداند؟ خداوندا! ما را از آنانی قرار ده که برای مقام قرب و دوستی خود برگزیده‌ای و خالص برای عشق و محبتت نموده‌ای و به لقای مشتاق کرده‌ای و خشنود ساختی آنان را به مشیتت، و نگاه کردن به سوی جمالت را به آنان بخشیدی و متصل گردانیدی آنان را به خشنودیت و پناه دادی آنان را از دوریت و نشاندی آنان را در جایگاه راستی در جوارت و مخصوص گردانیدی آنان را به معرفتت .

۱- مناجات خمسة عشر، مناجات المحييين .

فشنودی به رضای الهی؛

در جلسات گذشته پیرامون محبت، درجات آن و راههای حصول آن مطالبی بیان نمودیم. این نیایش دلنشین به خوبی گویای مراتب و درجات محبت می‌باشد.

انسان در سایه محبت و ارادت خالصانه به ذات حق متعال به جایی می‌رسد که تنها چیزی را می‌پسندد که خداوند پسندد و راضی و خشنود به خواست و قضای الهی می‌شود. تعبیر نورانی امام سجاد علیه السلام در این نیایش بسیار ظریف و گویا می‌باشد. ایشان می‌فرمایند:

«ورضیته بقضائك».

او را به قضای خود راضی کردی.

سالکی که قدم در وادی محبت نهاده است هیچ امر ناخوشایندی او را تهدید نمی‌کند؛ چرا که همه امور را تحت ید ذات اقدس ربوبی می‌بیند و به هر چه که از طرف محبوب به او برسد راضی و خشنود است. همچنین انسان محب، هیچگاه احساس تنهایی نمی‌کند؛ چرا که دل به محبوبی بسته است که همیشه حاضر و ناظر اوست؛ محبوبی که لحظه‌ای از او دور نمی‌شود و از رگ گردن به او نزدیک‌تر است.

در این باره امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند:

«أعدته من هجرک و قلاک».

از هجران و رویگردانیت پناهِش دادی.

همنشینی دائم با خداوند سبحان؛

انسان محب نه تنها احساس تنهایی نمی‌کند بلکه به حقیقت از تنهایی و فراق رسته است و در جایگاهی رفیع سکنی گزیده است،

«وَبَوَّاتِهِ مَقْعَدِ الصَّدَقِ فِي جَوَارِكِ» .

او را در جایگاه راستی خود جای دادی .

وجود مبارک سید الساجدین عَلَيْهِ السَّلَامُ جایگاه شخص محب را هم‌جواری با خداوند می‌داند . اما به راستی «مقعد الصدق» کجا است ؟ پاسخ این سؤال را خداوند در قرآن کریم بیان می‌فرماید :

﴿ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ * فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴾^(۱) .

یقیناً پرهیزگاران در باغها و نه‌رهای بهشتی جای دارند * در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر .

این جایگاه و مقام صدق تنها در سایه تقوای الهی که عالی‌ترین منازل سلوک است به دست می‌آید . مقام صدق ، جایگاه و مجلس متقین و پرهیزگاران است . این جایگاه ، حضوری است که غیبت در آن راه ندارد . جالسین در این مرتبه ، همیشه در محضر ذات ذوالجلال ربوبی حاضر هستند . آنجا جایگاه قرب و نزدیکی است و دوری و هجران راهی به آن ندارد . پرهیزگاران در آن جایگاه از نعمت حضور برخوردارند و نعمتی آنان را تهدید نمی‌کند .

همه نعمتها و لذتهای دنیوی آغشته به سختی‌ها و رنجها می‌باشد . مواهب

۱- سورة قمر آیات ۵۵-۵۴ .

دنیوی بقاء و استمرار ندارد، و پس از مدّتی انسانی که واجد آن نعمات بوده باید غبطه و حسرت از دست دادن آنها را بخورد؛ امّا حضور در جایگاه صدق، نعمتی است که نعمتی همراه آن نیست و سروری است که غم و اندوه به آن راه ندارد. جایگاه صدق دارای بقاء و استمراری است که فنا و پایان ندارد. در آن منزل لذّت حضور و درک محضر محبوب مقطعی و موقّتی نبوده و هیچ لذّتی با آن برابری نمی‌کند.

عبادت نردبان کمال؛

امام زین العابدین علیه السلام در ادامه این نیایش می‌فرمایند:

وَحَصَصْتُهُ بِمَعْرِفَتِكَ وَأَهْلَيْتُهُ لِعِبَادَتِكَ وَهَيَّمْتُ قَلْبَهُ لِإِرَادَتِكَ وَاجْتَبَيْتُهُ لِمُشَاهَدَتِكَ.

مخصوص گردانیدی او را به معرفتت و لایق گردانیدی او را برای بندگیت و دل باخته کردی دل آنان را برای خواسته‌ات و برگزیده‌ای آنان را برای نگر بستنت.

در این فراز از نیایش امام علیه السلام می‌فرمایند: بار الها! شخص طالب و محبّ را به گونه‌ای قرار ده که فقط تو را بشناسد و صلاحیت بندگی‌ات را به او عطا کن و قلب و دل او را برای عبادت و ارادت خود بیدار کن. هنگامی که قلب محبّ سرشار و لبریز از محبّت خدا باشد؛ از عبادت و طاعت لذّت می‌برد. برای چنین فردی گردن نهادن به فرامین الهی هیچ سختی و تعبی ندارد. در لسان شرع از عبادت به تکالیف تعبیر می‌شود. امّا این تعبیر و مرحله برای شریعت حدّ اقلی و فاقد روح است ولی در شریعتی که دارای روح باشد و

ماهیت و هویت حقیقی دین آشکار گشته باشد؛ عبادت دیگر تکلیف نیست بلکه انسان محبّ از عبادت لذّت می‌برد و به آن اشتیاق و ولع دارد^(۱). بر خلاف شخص محبّ، انسانی که به این مرحله راه نیافته عبادت برای او تکلیف است برای چنین انسانی، نماز، قیدی است که هر چه زودتر و سریعتر باید آن را بخواند تا رها گردد. عبادت برای رسیدن آدمی به درجات کمال، تشریح شده است. کسی که به دنبال دست یافتن به مراحل عالی کمال است از انجام عبادات احساس خستگی و مشقت پیدا نمی‌کند. از طرف دیگر نیز پر واضح است که خداوند سبحان، محتاج و نیازمند عبادت بندگان نیست.

به گفته شاعر:

گر جمله کائنات کافر گردند بر دامن کبریاش ننشیند گرد
بنابر فرمایش امام سجاده علیه السلام، خداوند متعال قلب انسان محبّ را دلباخته خود می‌کند و او را بر می‌گزیند تا در خلوت و جلوت به تماشای عظمت و جبروت او بنشیند.

گسستن پیوندها؛

در ادامه نیایش امام سجاده علیه السلام می‌فرماید:

«وَأَخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ وَفَرُّغْتَ فُؤَادَهُ لِحُبِّكَ وَرَغَبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ وَالْهَمَّتَهُ
ذِكْرَكَ وَأَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ وَشَغَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ».

۱- اهل معرفت این مرحله را مرتبه طریقت و حقیقت نام نهاده‌اند که در این دو مرحله سالک به آداب و احکام عملیه نگاهی تکلیفی ندارد بلکه با اشتیاق تمام و با نگرش حبی، احکام را ادا می‌کند.

و خالی کردی دلش را برای خودت و تهی کردی دلشان را برای دوستیت و
آزمند کردی آنان را در آنچه پیش توست و الهام کردی به آنان یادت را و
برانگیزاندی آنان را به سپاست و مشغول ساختی آنان را به طاعتت .

« وَصَيَّرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِيَّتِكَ وَاحْتَرْتَهُ لِمُنَاجَاتِكَ وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّشَيْءٍ
يَقْطَعُهُ عَنكَ».

و آنان را از آفریدگان شایسته ات قرار دادی، و برگزیدی آنان را برای راز و
نیازت و بریدی از آنان هر چیزی را که می برد او را از تو .

انسان محبّ به جایی می رسد که همیشه به یاد خداوند است . او در هر
لحظه شاکر و سپاسگزار نعمتهای خداوند متّان است . انسان محبّ، همواره در
تلاش است تا از شکر نعمات الهی غفلت ننماید، و این مهمّ را با فرمانبرداری
و عبودیت به جا می آورد .

تعبیر بسیار بلند و روح نوازی که در این مناجات در رابطه با محبّین آمده
این است امام زین العابدین عليه السلام در وصف آنان می فرماید : محبّین کسانی
هستند که خداوند هرچه که سبب قطع علاقه و پیوند آنان با خود شود را از
بین می برد؛ به عبارت دیگر خداوند سبحان نمی گذارد که علقه و علاقه آنان
از بارگاه قدس ربوبی قطع شود^(۱) . اولین و مهمترین مسأله ای که موجب قطع
پیوند و ارتباط با محبوب حقیقی می شود، حبّ نفس است . به همین دلیل ،
اولین نشانه دوستدار و محبّ حقیقی این است که بتواند محبّت نفس خود را
زیر پا بگذارد . در این رابطه خداوند متعال ، خطاب به یهودیان - پس از آنکه

۱- به همین دلیل است که محبّین حضرت حقّ با کوچکترین لغزشی گرفتار بلایا و مصائب
می شود . این در واقع تذکّر و یادآوری حضرت حقّ به ایشان است تا از یاد او غافل نشوند .

بیان کردند ما فرزندان و دوستان واقعی خداوند هستیم -^(۱) فرمود:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ
إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^(۲).

بگو: ای یهودیان! اگر گمان می‌کنید که فقط شما دوستان خدایید نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید، اگر راست می‌گویید (تا به لقای محبوبتان برسید).

سپس خداوند سبحان بیان می‌کند، که ادعای یهودیان گزاف و نابه جا می‌باشد چرا که:

﴿وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾^(۳).

ولی آنان هرگز تمنای مرگ نمی‌کنند، به خاطر اعمالی که از پیش فرستاده‌اند و خداوند ظالمان را به خوبی می‌شناسد.

خداوند سبحان به یهودیان می‌فرماید اگر راست می‌گویید درخواست مرگ نمایید. روشن است که منظور از مرگ در این آیه نیستی و قطع رابطه با این دنیا نمی‌باشد؛ مرگ در این آیه، قطع علاقه و پیوند از هر چیزی به جز خداوند می‌باشد.

بنابراین معنای آیه این می‌شود: ای یهودیان! اگر راست می‌گوئید که دوستدار خداوند هستید دل خود را از هرچه به جز خداوند است، ببرید. اما خداوند می‌فرماید: خیر، سابقه آنان نشان می‌دهد که یهودیان نمی‌توانند

۱- سوره مائده آیه ۱۸.

۲- سوره جمعه آیه ۶.

۳- سوره جمعه آیه ۷.

دست از علاقه‌ها و پیوندهای مادی و دنیوی خود بردارند.

برای بنده‌ای که می‌خواهد بداند آیا محبّ واقعی خداوند است یا خیر، راه آسانی وجود دارد؛ برای این منظور فرد باید در خود تأمل کند و دریابد آیا می‌تواند دل خود را از تمام شوائب و شواغل مادی و دنیوی برهاند و خود را به ذات اقدس ربوبی بسپارد یا خیر؟ به همین دلیل می‌توان بیان کرد که منظور

از فرمایش رسول الله ﷺ

«موتوا قبل أن تموتوا»^(۱).

بمیرید پیش از آنکه بمیرید.

به این معناست که پیش از آنکه مرگ موجب قطع علایق و پیوندهای شما گردد؛ شما زودتر علایق و پیوندهای دنیوی خود را قطع کنید.

آیه مذکور را اینگونه نیز می‌توان تفسیر کرد که مرگ به معنای انتقال به منزل لقاء و دیدار است، اما تفاوت در این است که آیا پس از مرگ، لقاء و دیدار محبوب حاصل می‌شود، یا دیدار قاضی قهّار؟ هر نوع و نحوه دیداری بستگی کامل به عملکرد شخص در دنیا دارد. یهودیان نیز چون می‌دانستند که با مرگ به سوی قاضی قهّار می‌روند، هیچگاه آن را طلب نکردند.

در حدیث قدسی آمده است حضرت ابراهیم عليه السلام هنگام قبض روح به عزرائیل فرمود:

«فهل رأيت خليلاً يميت خليله»؛

آیا دیده‌ای دوستی، دوست خود را بمیراند.

خداوند سبحان در پاسخ فرمود:

۱- بحار الانوار جلد ۶۹ صفحه ۵۹.

«فهل رأيت حبيباً يكره لقاء حبيبه»^(۱).

آیا دیده‌ای دوستی از ملاقات دوست و حبیبش کراهت داشته باشد. دعاها و نیایشهای نورانی که از ائمه اطهار علیهم‌السلام به دست ما رسیده است؛ چون دعای کمیل، عرفه، ابوحمزه و ... حاوی بالاترین درجه معرفت و عرفان است. یک سالک واقعی به غیر از این ادعیه و میراث گرانبهایی که از حضرات معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده است به چیز دیگری نیازمند نمی‌باشد. بلکه می‌توان گفت انسان برای رسیدن به مرتبه‌ی عالی سلوک راهی به جز بهره‌مندی از این میراث ارزشمند ندارد.

در دعای نورانی کمیل آمده است:

أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَأَنَّكَ أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ
اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ
مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأُورَادِي كُلُّهَا وَزِدْهَا وَاجِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ
بَسْرَمَدًا^(۲).

بارالها! در خواست می‌کنم از تو به حقت و مقام قدست و بزرگترین صفات و نامهایت اینکه قرار دهی روزگار مرا از شب و روز به یادت آباد شده و به کار کردن برای تو پیوند شده و کردارم در پیشگاهت پذیرفته، تا اینکه همه‌ی کردارهایم و دعاهایم یکتا شود و احوالم در کار کردن برای تو دائمی و همیشگی باشد.

تمام ساعات و آنات عبد واقعی باید به یاد و ذکر خداوند متعال باشد. او

۱- امالی صدوق علیه‌السلام صفحه ۲۶۴.

۲- مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

باید حضور همیشگی و دائمی خود را در محضر حق از خود حضرت رب الارباب در خواست کند. او باید بداند که حضور مقطعی و موقتی، بهره چندانی برایش ندارد. احساس حضور در محضر پرودگار نباید محدود به هنگام خواندن نماز یا حضور در مجالس دعا و نیایش باشد.

انسانی که در محضر خداوند متعال است؛ باید فکر، اندیشه، چشم، گوش و تمام اعضاء و جوارح او نیز در محضر خداوند باشد. چنین که باید مواظب و مراقب باشد که هیچ لغزشی از او صادر نشود. درست مانند زمانی که در محضر شخص مهمتی باشد. در چنین حالی انسان مراقب تمام اعمال و گفتار خود می‌باشد. به همین شکل انسان باید ادب مع الله را مراعات نماید. اگر نتوانیم ادب محضر خداوند را رعایت نماییم، مسلماً نمی‌توانیم مدعی محبت باشیم و از آن محضر نیز به زودی اخراج خواهیم شد. آری! اگر در محضر او که ناظر بر تمام احوال ظاهری و باطنی ما باشد دل آلوده گردد، نمی‌توان مدعی عشق و اشتیاق به خداوند شد.

عبادت آزادگان؛

امام سجاد علیه السلام در ادامه نیایش می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ دَاءِبُهُمُ الْإِزْتِيَاخُ إِلَيْكَ وَالْحَنِينُ وَدَهْرُهُمُ الزَّفَرَةُ
وَالْأَنْبِيَاءُ جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ لِعَظَمَتِكَ وَعُيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ
وَدُمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ حَسَنِيَّتِكَ وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ وَأَفْسِدَتْهُمْ
مُنْخَلَعَةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ».

بار خدایا! قرار ده ما را از آنانکه عادتشان شادمانی به درگاه تو و ناله و زاری

برای توست ، و روزگارشان آه و ناله است پیشانیشان سجده کننده است به
بزرگی تو و دیدگانشان بی خواب است در خدمت تو و اشکشان روان است از
ترس تو و قلب هایشان آویخته است به دوستی تو و دلهایشان کنده شده
است از شکوه تو .

در رابطه با این فراز از نیایش مناسب است به حدیث قدسی ذیل توجه
نماییم :

«طوبى لِقَوْمِ عَبْدونى حَباً وَاتَّخَذونى إِلهاً وَرَباً، سَهروا الليل ودأبوا
النهار طلباً لوجهي من غير رهبة ولا رغبة ولا لئار ولا جنة بل للمحبة
الصحيحة والإرادة الصريحة والإنقطاع عن الكل إلي»^(۱) .

خوشا به حال گروهی که از روی دوستی مرا عبادت کنند و مرا خدا و رب خود
بدانند ، شب زنده دار باشند و در روز به عبادت مشغول باشند تنها به خاطر
دوستی من نه از روی ترس و نه از روی رغبت ، نه از ترس آتش و نه میل به
بهشت تنها از روی محبت خالص و میل آشکار واز همه بپرند و به سمت من آیند .
در توضیح روایت فوق ، فرمایش سیدالشهداء عليه السلام بسیار گویا می باشد .

«إِنَّ قوماً عبدوا الله رغبة فتلك عبادة التجار وإن قوماً عبدوا الله رهبة
فتلك عبادة العبيد وإن قوماً عبدوا الله شكراً فتلك عبادة الاحرار»^(۲) .

تاجر پیشگان خداوند را به طمع بهشت عبادت می کنند و برده منشان ،
عبادتشان از ترس آتش است ولی آزاد مردان برای شکر خداوند را عبادت
می کنند .

عبادت آزاد مردان ، عبادت حبی است ، عبادتی که به طمع دنیا و آخرت

۱- بحار الأنوار جلد ۹۲ صفحه ۴۶۷ .

۲- تحف العقول صفحه ۲۴۶ .

باشد، شرک آلود است، منظور از این شرک، شکر در مبداء و توحید نیست، بلکه شرک در عبادت است^(۱).

برخی از مردم در عبادات خود، فقط مسائل مادی و دنیوی را از خداوند طلب می‌کنند. اگر نماز شب بخوانند، به عتبات بروند و... می‌خواهند مسائل و مشکلات مادی و دنیویشان حل گردد. برخی نیز می‌خواهند با عبادت خود به سعادت اخروی دست یابند. آسان جان دهند و در برزخ آسوده و راحت باشند. خداوند متعال کریم است و به هر دو گروه نظر عنایت و رحمت می‌کند و آنان را به خواسته‌هایشان می‌رساند. اما سخن در مراحل بالا و عالی عبادت است. سخن از کسانی است که خداوند به آنان می‌فرماید: خوشا به حال کسانی که مرا به خاطر من عبادت و پرستش می‌کنند، خوشا به حال کسانی که مرا دوست دارند و به خاطر طمع به بهشت و یا ترس از جهنم مرا عبادت نمی‌کنند.

محبّ واقعی از دنیا و آخرت، بهشت و جهنم گذشته است و هیچ وقعی به آنها نمی‌نهد. ترس و طمعی در عبادت و فرمانبرداری ندارد. از همه جا منقطع و منخلع شده است و تنها رضایت و خشنودی ذات اقدس ربوبی را می‌نگرد. انسان هنگامی که به این مرحله برسد، هویت و ماهیت وی تغییر

۱- شیخ بهایی رحمته الله علیه در کتاب شریف اربعین خود ذیل حدیث ۳۷ صفحه ۴۳۹، نقل کرده است که برخی از علمای شیعه چون سید بن طاووس رحمته الله علیه و علمای عامه چون فخر رازی قائل به بطلان عبادتی هستند که از روی ترس جهنم یا میل و رغبت به بهشت انجام شود، اما ایشان با دقت و موشکافی این نظر را در نهایت نمی‌پذیرند. همچنین شهید اول رحمته الله علیه در کتاب قواعد، جلد ۱ صفحه ۷۷ بیان می‌کند که علماء قائل به بطلان عبادتی هستند که برای ثواب و یا عقاب انجام شود.

می‌کند و فلز وجود او به کیمیایی گرانبها بدل می‌شود.

از محبت نار نوری می‌شود از محبت دیو حوری می‌شود

از محبت تلخ، شیرین می‌شود از محبت مس زرین می‌شود

چنین حالاتی را می‌توان در احوالات رسول الله ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام به خوبی مشاهده نمود. گذشته از آنان علیهم السلام، اصحاب صادق و راستین نیز چنین احوالاتی داشتند.

در صحرای کربلا عابس، زره و پیراهن از تن به در آورد و رو به دشمنان نموده و فریاد کشید که من از مرگ هراس ندارم.

اول قدم از عشق سرانداختن است جان باختن است و با بلا ساختن است سیدالشهدا علیهم السلام نیز هنگامی که حضرت علی اصغر علیهم السلام را غرق خون می‌بینند، محاسن خود را با خون کودک شش ماهه خود رنگین می‌کنند و می‌فرمایند:

«إلهی رضاً برضاک»^(۱).

پروردگارا خشنودم به خواست تو.

و این است معنای سخن نورانی امام سجاد علیهم السلام در این نیایش در رابطه با محبتین «رضیته بقضائك».

از خداوند متعال می‌خواهیم که ادعای محبت ما به محبتی صادقانه و صمیمانه تبدیل شود.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

۱- من اخلاق الإمام الحسین علیهم السلام صفحه ۱۴.

برخی از مردم در عبادات خود، فقط مسائل مادی و دنیوی را از خداوند طلب می‌کنند. اگر نماز شب بخوانند، به عتبات بروند و... می‌خواهند مسائل و مشکلات مادی و دنیویشان حل گردد. برخی نیز می‌خواهند با عبادت خود به سعادت اخروی دست یابند. آسان جان دهند و در برزخ آسوده و راحت باشند. خداوند متعال کریم است و به هر دو گروه نظر عنایت و رحمت می‌کند و آنان را به خواسته‌هایشان می‌رساند. اما سخن در مراحل بالا و عالی عبادت است. (صفحه ۱۴ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات:

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹